

بررسی عناصر سه گانه نمادین در جام شوش

منیژه علی آبادی*

کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی، دانشکده هنرهای تجسمی و کاربردی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۳/۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۴/۱۱)

چکیده

نقش طبیعت در زندگی مردمان پیش از تاریخ اهمیت بسزایی داشته است؛ به طوری که عناصر سه گانه طبیعت شامل: آب، خاک و باد در زندگی بشری همواره به صورت نمادین و به شکل‌های مختلف، در آثار هنری پیش از تاریخ مشاهده شده است. سفالینه‌های منقوش ایران در بین سایر هنرهای پیش از تاریخ، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. نقوش سفالینه‌های پیش از تاریخ علاوه بر جنبه زیبایی، کارکردی نمادین را در بر می‌گیرد و بازخوانی آن همانند کتابی، ما را از نحوه زندگی و اعتقادات مردمان آن دوران آگاه می‌کند. سفالینه‌های منقوش شوش از لحاظ بصری و زیبایی با قوانین هندسی خاصی، دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد و در این میان جام شوش با نقوش سه گانه جانوری به طور خاص مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. این مقاله سعی دارد به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی: - نمادشناسانه جام شوش؛ - نمایش نمادین عناصر سه گانه طبیعت بر جام شوش؛ - و ارتباط بصری بین عناصر موجود بر جام بپردازد و سپس با مقایسه جام مورد نظر با سایر جام‌های هم‌طبقه خود بتوان، نظریاتی در جهت شاخص بودن آن به مخاطبان و علاقه مندان هنر ایران زمین ارائه داد.

واژه‌های کلیدی

نمادشناسی، جام شوش، عناصر سه گانه، نقوش، تناسبات، بزکوهی.

مقدمه

۱- کاسه یا قدح؛ ۲- آبخوری؛ ۳- دیگ یا دیزی؛ ۴- ظروف کروئی (رفیعی، ۱۳۸۷، ۱۲۰).

از بین این ظروف نهایت هنر نقش‌پردازی همراه با اصول ریاضی گونه و بدون هیچ نقصی را در جام شوش می‌توان مشاهده کرد. این جام متعلق به نیمه دوم هزاره چهارم پیش از میلاد و قبل از پیدایش خط می‌باشد که در بین هشت جام یافت شده از شوش از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است؛ به طوری که شامل سه نقش جانوری با معانی نمادین و نقوش هندسی جدا کننده در بین هر نقش می‌باشد. در این پژوهش سعی بر آن است که به بررسی نمادشناسانه نقوش جانوری و هندسی و سپس ارتباط این نمادها با عناصر سه‌گانه طبیعت و چگونگی نمایش آنها در جام شوش به صورت بیان نمادینی از نگاره‌های جانوری و هندسی پرداخته شود و در پایان به ارتباط این مقوله با نقش اعداد و تناسبات در ایجاد روابطی منطقی و زنجیره‌واری همچون طبیعت که همواره در چرخه‌ی زندگی انسان طبق اصول خاصی در حرکت می‌باشد پرداخته و با مقایسه آن بتوان به اهمیت این جام نسبت به سایر جام‌ها و ظروف منقوش هم دوره خود پردازیم.

سفال یکی از پدیده‌های فرهنگی با نقش و نگار نمادین و تمثیلی، همواره وسیله‌ای برای انتقال اندیشه بوده است. نقوش ساده و رنگین سفالینه‌ها همانند فرمول‌های دانشمندان، یک دنیا مطلب فلسفی و دینی دارد. مردمان باستان به وسیله نقش‌پردازی منظور خود را بیان می‌کردند. سفالگری از ابتدای نوسنگی در سرزمین ایران معمول گردید و بیش از هر پدیده دیگر، نماینده نبوغ و هنرمندی ایرانیان به شمار آمده است. سفال به عنوان ابتدایی‌ترین هنرها از انتزاع کامل برخوردار است. این خاصیت شکل‌پذیری گل و ماندگاری در طول دوران، باعث شده که همواره منبع توجه محققان در رشته‌های گوناگون که جویای شناسایی تمدن و فرهنگ ایران زمین می‌باشد، قرار گرفته شود. نقش‌اندازی بر روی سفال، وسیله‌ای برای انتقال پیام در دوران پیش از تاریخ به شمار می‌رفته است. از این رو سفال نخودی رنگ به عنوان مناسب‌ترین بوم برای نمایش پیام ودانش بشری در دوران خود مورد استفاده هنرمندان قرار گرفته است. شوش را به عنوان اولین خواستگاه سفالینه‌های نخودی رنگ منقوش بر می‌شمارند. مجموعه سفالینه‌های شوش شامل اشیای تدفینی قبور است که به چهار دسته تقسیم می‌شود:

بررسی نمادشناسانه نقوش اصلی موجود بر جام شوش

در این بخش ابتدا به صورت مختصر به معرفی جام و نقوش موجود بر روی آن پرداخته و سپس به نمادشناسی نقوش مورد نظر می‌پردازیم:

الف- معرفی جام شوش

جام سفالی نخودی رنگ شوش، متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد به ارتفاع ۲۹ سانتیمتر و قطر دهانه ۱۶،۴ سانتیمتر می‌باشد، فرم آن به شکل دوار، که بدنه داخلی بدون نقش و سطح خارجی مزین به نقوش هندسی و حیوانی سیاه رنگ بر روی زمینه نخودی رنگ می‌باشد و در موزه لوور فرانسه نگهداری می‌شود (تصویر ۱).

نقوش جام، متشکل از: یک ردیف پرندگان باتلاقی با گردن‌های بسیار بلند به تعداد زیاد و پشت سرهم در قسمت لبه ظرف بین خطوط نواری - یک ردیف سگ شکاری به تعداد ۳ عدد به حالت خوابیده به صورت موجی شکل در گردن ظرف، بین دو ردیف خطوط کمربندی - نقش بز کوهی ریش‌دار با شاخ‌های بسیار بلند و دوار در محدوده مرکز در دو طرف ظرف - دایره‌ای با نقوش هندسی در میان شاخ‌ها - و بین نقوش جانوری، کادربندی‌ها و خطوط خاص هدفمندی؛ نقش شده است.



تصویر ۱- سفال شوش I، نیمه دوم هزاره چهارم ق.م.
مأخذ: (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۰۱)

ب- نمادشناسی نقوش

۱- نقوش پرندگان گردن دراز

جام مورد نظر متعلق به شوش، واقع در استان خوزستان می‌باشد و خوزستان به علت موقعیت جغرافیایی در زمستان یا تابستان محل استقرار اغلب مرغ‌های مهاجر آبی و گردن درازی از جمله پلیکان، حواصیل، لک لک، اگرت، فلامینگو، غاز و درنا می‌باشد. پرندگانی که بر روی جام شوش نقش بسته‌اند، پرندگان گردن درازی هستند که مکرراً در قسمت بالای جام‌های شوش نقش شده‌اند. پرند مورد نظر به شکل پرندگان آبی است که

نقوش بز از دیرباز جزء قدیمی‌ترین و بیشترین نقوش سفالینه‌های ایران به شمار می‌رود. باورهای قومی و اساطیری که در مورد این حیوان وجود دارد؛ به طور مثال: این حیوان روزگاری به عنوان تجسم باروری انسان و گله پرستیده می‌شده و با خدای حاصلخیزی سومری به نام تموز و نینگیرسو یکسان به شمار می‌آمد. در اساطیر هندوی، به عنوان یک حیوان ویژه قربانی، مرکب آگنی بود. در اساطیر یونانی برای زئوس، ژوپیتر مقدس محسوب می‌شد و آگنی حیوان ویژه قربانی، مرکب آگنی به طور کلی بز نر بود (هال، ۱۳۸۷، ۳۵). بز را اصل مذکر و سمبل قدرت تولید شمرده‌اند که در پاره‌ای از آیین‌های باروری، نزدیکی بز و زن انجام می‌گرفته است. بز کوهی سمبل چالاکی است و حیوان مرتبط با چندرا رب النوع ماه و همچنین مرکب وایور رب النوع باد است (جایز، ۱۳۷۰، ۲۳).

نقش جام، بز کوهی شاخدار (تصویر ۲) می‌باشد که علاوه بر این که شاخ همچون سلاحی قدرتمند برایش تلقی می‌شود، مظهر قدرت و نیرو به شمار می‌رود. به علت شباهت نقش شاخ با هلال ماه در قدیمی‌ترین سفالینه‌های بدست آمده، بز کوهی از حیوانات متعلق به ماه است و دو شاخ، نمودار دو هلال ماه یکی بدر کامل و دیگری هلال نو می‌باشد. این حیوان در شوش و ایلام مظهر فراوانی و رب النوع رویدنی‌ها خوانده شده است. بز کوهی در دوران‌های مختلف نمادهای گوناگونی را به خود اختصاص داده است به طوری که زمانی که ماه پرستش می‌شده، نماد ماه و روزگار دیگر نماد خورشید است و این شاید در زمانی بوده است که بشر به زندگی کشاورزی گرایش پیدا کرد و دریافت که خورشید سبب باروری زمین و پرورش گیاهان و موجب گرم کردن و نیرو بخشیدن به انسان است (دورانت، ۱۳۷۰، ۷۳). می‌توان گفت به علت ارتباط داشتن آب با ماه و خورشید با گرما همواره نمادهای ماه در درجه الویت قرار داشته و یکی از اولین خدایان بشری به شمار می‌رفته است. در این زمینه اکرم می‌گوید، زمانی بر اهمیت خورشید افزوده شد که انسان راه آبیاری از طریق رودخانه را آموخت و دیگر تنها باران عامل فراوانی محصول نبود. از دیگر صفات ماه، باروری است و رابطه زن با باروری از ابتدای تفکر بشر وجود داشته است و رابطه زن و ماه در دوران باستان محقق می‌شود. حیوانات شاخدار از جمله بز کوهی به سبب شباهت شاخ با هلال ماه نماد باروری نیز می‌باشد (عبدالهیان، ۱۳۷۸، ۵۲).

در خصوص وجود پرستشگاه‌های الهه‌های آناهیتا و تیر در مناطق کوهستانی به اهمیت این عنصر (آب) و ارتباط آن به نشانه‌های نجومی ستارگان زهره - ناهید و عطارد - تیر می‌توان اشاره کرد و ابوریحان بیرونی در کتاب التفهیم نشانه نجومی ستاره عطارد را چنین آورده است یعنی چیزی همانند سر بز یا کل یا ریش آن یا همانند لا در عربی و یا چنانکه مؤلف کتاب فرحنامه آورده است چیزی همانند نوعی حرف کا (اقتداری، ۱۳۵۴، ۹۵۵). همچنین در بعضی لهجه‌های محلی بز تنها ماده گوسفندی بی-دنبه مودار که نر آن تیشتر نام دارد که تیشتر نام خدایی است که با باران ارتباط دارد و در بندهشن آمده است که تیشتر همان تیر = عطارد است (آموزگار، ۱۳۸۶، ۲۲).

در تالاب‌های خوزستان زندگی می‌کند. از این رو نمی‌توان دقیقاً متوجه نوع پرنده شد (تصویر ۲).

پرنده نماد، گسترده‌ی روح به ویژه در هنگامی که پس از مرگ به آسمان صعود می‌کند. بسیاری از اقوام باستانی، پرندگان بزرگ‌تر را با خورشید، خدایان آسمان همراه می‌دانستند. پرندگان از ویژگی‌های هوا هستند که آنها را تجسم بخشیده‌اند و یکی از چهار عنصر به شمار می‌روند (هال، ۱۳۸۷، ۳۹). از معانی سمبلیک پرنده می‌توان به آزادی، آسمان، ابر، باد، پیام رسانی و جاودانگی، حاصلخیزی و روح هوا، اشاره کرد. در ایران منتقل کننده وحی و سروش نماینده عقل کل، تجسمی از آتش، ابر، خورشید و صاعقه و پرنده دراز پا معروف به عمر طولانی است (جایز، ۱۳۷۰، ۲۸).

به علت شباهت این پرنده با پرندگانی چون لک‌لک، درنا، حواصیل، در اینجا به معانی سمبلیک این پرندگان می‌پردازیم: لک‌لک: نماد پرهیزگاری به ویژه تقوای فرزندى در میان بسیاری از اقوام غربی و شرقی است. لک‌لک نماد طول عمر است و گاهی جای درنا را می‌گیرد. درنا: نماد عمر دراز، و پیام آور خدایان محسوب می‌شود (هال، ۱۳۸۷، ۴۹).

حواصیل: نماد طول عمر، پرنده‌ای که بامدادان روی ساحل دریا به ایزد بانوی سپیده دم خیر مقدم می‌گوید. مرغی است که سپیده دم بر کناره‌ی جویبارها می‌نشیند و چون حوصله نهایت کلان دارد بر واحد اطلاق آن جمع کرده‌اند. در واقع حواصل جمع حوصله است (جایز، ۱۳۷۰، ۴۱).

۲- نقوش سگان

دومین نقش موجود بر جام شوش نقش سگان آرمیده به تعداد ۳ عدد می‌باشد. سگ کهن‌ترین جانوری است که رام آدمی گردید و زودتر از هر جاننداری با انسان انس گرفت و بیش از هر جاننداری یار مردمان، همواره پاسبان انسان و گوسفندان است. در متون کهن اوستا گفته شده است که در جهان دیگر دو سگ مینوی به پاسبان پل جینود (صراط) کاشته شده اند (عبدالهیی، ۱۳۸۱). از معانی سمبلیک این حیوان: دوست انسان، صداقت، وفاداری، همراهی است و در هنر بسیاری از تمدن‌ها سمبل پیام آور خدایان می‌باشد. سگ در آیین هندو آورنده باران است به طوری که قبایل مناطق کوهستانی هنوز هم سگ‌ها را در هنگام خشکسالی شکنجه می‌کنند تا بدین وسیله سگ بزرگ صدای آنها را شنیده و باران بفرستد. اشاره شده است که دم سگ نشانه ستاره قطبی و سابقاً به صورت فلکی دُب اصغر شناخته شده است.

سگ نقش بسته بر جام شوش به دلیل فرم بدنش شبیه به سگ تازی (تصویر ۲) است و این سگ به دلیل خوش اندامی معانی چون سرعت، شکار و غرور را نیز در بر می‌گیرد و ایرانیان و مصریان از وی در شکار جانورانی همچون بز کوهی استفاده می‌کردند (جایز، ۱۳۷۰، ۶۸).

۳- نقوش بز کوهی

حیوانات شاخدار از دیرباز برای مردمان باستان بسیار مقدس بوده‌اند.






تصویر ۲ - آنالیز نقوش جام شوش.

۴- دایره وسط شاخ

دایره مهم‌ترین سمبلی است که از قدیمی‌ترین ایام تا به امروز با اندک اختلافی، ذهنیت یکسانی را القا می‌نموده است. نماد زمان، حرکت پیوسته و مدور آسمانی، ابدیت، کمال و با الوهیت در ارتباط می‌باشد. در بین شاخ‌های بز کوهی جام، دایره‌ایی که به سه قسمت تقسیم شده و در قسمت مرکزی، ۷ عدد شکل دال مانند که به وسیله خطی بهم پیوسته‌اند (تصویر ۲)، قرار دارد. اشاره شده است، از دیگر نشانه‌های نجومی عطارد حرف "د" است که یک قوس شکسته است. که شکل کوژ یا قوژ مانند که نشانه‌هایی از دوازده به هم پیوسته تیر-ناهید می‌باشد که این نشانه در داخل دایره‌ای بین شاخ‌های هلالی شکل بز کوهی به تعداد ۷ عدد به معنای ۷ نماد فرودگان یاد شده است (اقتداری، ۱۳۵۴، ۹۵۸).

جدول ۱- بررسی نمادشناسانه نقوش جانوری جام شوش.

بز کوهی	سگ	پرنده	نقوش جانوری جام جزئیات نقوش
			طرح
۲ عدد	۳ عدد	در حدود ۷۰ عدد	تعداد نقش
کوه، زمین، خاک، منبع آب و خاک برای گیاه، باروری، آسمان، هوا	آب	آسمان، هوا، باد	نماد
زیر پای بز و بین نقوش بز	-	زیر پای پرنده	کادربندی سه تایی
۹ قسمت	۹ قسمت	۵ قسمت	تقسیمات بدن
بدن ۲ مثلث، شاخ ۲ هلالی از دایره، دم و ریش خطی	منحنی	خطی	شکل بدن
۲ تایی	۴ تایی	۲ تایی	تعداد پاها
۲ تایی	۲ تایی	-	تعداد گوش‌ها
۲ تایی	-	-	تعداد شاخ
دو مثلث کشیده	یک خط منحنی	مثلثی شکل	فرم بدن
نیمرخ	نیمرخ	نیمرخ	حالت بدن
بدن به شاخ: ۲/۱	بدن به پا: ۱/۲	بدن به گردن: ۵/۱	تناسبات بدن به جز اصلی نقش

نمایش نمادین عناصر سه‌گانه بر جام شوش

وجود عناصر طبیعت در سفالینه‌های شوش به شکل‌های نمادین همواره از ویژگی‌های این سفالینه‌ها به شمار می‌رود. در این بخش به عناصر سه‌گانه طبیعت که شامل خاک، آب، باد که به صورت نمادین بر سفالینه‌ها نقش بسته می‌پردازیم.

۱- خاک

خاک با کوه که به صورت بخشی از زمین که بر آمده می‌باشد و منبع خاک است ارتباط دارد و می‌تواند یکی از چهار عنصر اصلی به شمار آید. به صورتی که کوه را در قدیمی‌ترین افسانه‌ها مخلوق نخستین دانسته‌اند. که نمونه‌ای از این نمایش بر روی لیوانی از شوش (تصویر ۳) با مثلث‌های به هم پیوسته که در بین هر کدام نی‌های روئیده و اشاره بر تاثیر آب در رویاندن گیاهان است. کوه

جایگاه خدایان و پیوند آسمان و زمین به شمار می‌آید. بنابر بعضی کیهان‌شناسان کوه مقدس نیز مرکز و محور سراسر کیهان بود و سستیغ‌های دوگانه، گاهی جایگاه خورشید و ماه بوده و سرچشمه نخستین آب‌ها و در نتیجه حاصلخیزی به شمار می‌رفته است. از جمله نمادهای کوه مثلث و خطوط زیگزاک می‌باشد. به طوری که برای نمایش دادن کوه و آب از نمادهایی مانند بز کوهی که هم به آب و هم به کوه مرتبط است، استفاده شده است.

۲- آب

آب با ماه ارتباط دارد. در بین ظروف هزاره چهارم نشانی از خورشید نیست و ماه در درجه اولویت قرار دارد زیرا همواره با نمادهای آب و باران در ارتباط می‌باشد. از جمله نمادهای ماه



تصویر ۳- جام سفالی منقوش شوش I.
نیمه دوم هزاره چهارم ق.م.
مأخذ: (پوپ، ۱۳۸۷، ۱)



تصویر ۴- جام سفالی منقوش شوش I.
نیمه دوم هزاره چهارم ق.م.
مأخذ: (معصومی، ۱۳۴۹، ۱۲۶)

می‌توان به دایره‌ای که دور آن شعاع‌هایی ترسیم شده یاد کرد و در لیوانی از شوش (تصویر ۴) که نقش دایره‌ایی در چهار گوشه محصور شده، نماینده آبدان ماه که به چهار طرف خود آب را تراوش می‌کند یاد شده است.

و از دیگر نمادهای ماه نقش بز کوهی با شاخ‌های هلالی شکل خود می‌باشد. دو هلال که نماینده خدایان نرینه و مادینه و نماد مادر الهه می‌باشد؛ مراحل سه‌گانه ماه را به منزله زندگی و مرگ و برخاستن او از میان مردگان برشمرده‌اند. از دیگر نمادهای ماه گیاه هوما نامیده می‌شود که در ایران جنبه مقدس دارد و تصور می‌شود که گیاه در ماه می‌روید (هال، ۱۳۸۷، ۲۱۸).

۳- باد

باد به صورت هوای در گردش و در آسمان، شکل وجودی می‌گیرد و نمایش آن را بر روی سفالینه‌ها به صورت نمادی از آسمان که به وسیله یک یا دو مثلث، نشان داده‌اند. در بعضی موارد خدای آسمان با خدای ماه قابل تفکیک نیست به صورت مثلثی که تبر دارد و تبر ابزار مختص ماه است. مثلث را از نشانه‌های تیر و ناهید ایزدان ایرانی نیز می‌دانند و تمامی خطوط میخی از مثلث-هایی هستند که تشکیل کلمات می‌دهند (اقتداری، ۱۳۴۹، ۹۷۵)، مثلث نماد طبیعت سه‌گانه نیز می‌باشد (هال، ۱۳۸۷، ۱۷). انواع

مثلث، نمادهای گوناگونی را در بر می‌گیرد:

مثلث متساوی الضلاع، نماد زمین.

مثلث متساوی الساقین، نماد آتش.

مثلث قائم الزاویه، نماد آب.

مثلث مختلف الاضلاع، نماد هوا می‌باشد. فرم بدن بز کوهی از دو مثلث با اضلاع مختلف که دو ضلع آن به صورت قوسی کشیده که بخشی از دایره را نمایان می‌سازد تشکیل شده است (کوپر، ۱۳۸۶، ۳۴۴).

جدول ۲- نمایش عناصر سه‌گانه طبیعت در جام شوش.

توضیحات	جانور مرتبط	شکل هندسی	جایگاه موجودی در طبیعت	نمادشناسی عناصر با توجه به نقوش جام	عناصر سه‌گانه طبیعت
خاک در قالب بدن به شکل دو مثلث	بز کوهی		کوه		خاک
آب در قالب بدن به شکل موجی شکل	سگ		رود		آب
باد در قالب گردن به صورت خطی عمودی	پرنده	خطوط عمودی	آسمان		باد

است. اگر از بالای جام، شروع به بازخوانی نقوش کنیم، ابتدا بر روی لبه بالای ظرف ردیف پرنده‌گانی را که به تعداد زیاد و پشت سر هم در حالت ایستاده هستند، می‌بینیم. پرنده‌گان با گردن‌های دراز و بدن مثلثی شکل که بر روی دو پای خود ایستاده و بی حرکت هستند. با توجه به مطالب بالا نزدیکی این پرنده‌گان به لبه و قرار گرفتن این نقوش در بالاترین نقطه و نزدیکی به دهانه ظرف، جایگاه و اهمیت این نقش را می‌رساند و تعداد آنها اشاره به تعداد

ارتباط بصری بین عناصر نقش بسته بر جام شوش

ارتباط و تنگاتنگی موجود بر عناصر جام و پیوستگی نمادین آنها با هم، موضوعی واحد و هدفی غایی را نشان می‌دهد. در این بخش به چگونگی این ارتباط می‌پردازیم:

جام شوش از سه بخش اساسی تشکیل شده است که به وسیله خطوط افقی و عمودی این سه بخش از هم جدا و قابل تفکیک

وبه وسیله خطی پهن و افقی نقش را از زمینه جدا می‌کند. در زیر پای سگان در کادر عمودی، در مرکز ظرف، حیوان شاخداری به حالت سکون در داخل کادری مجزا، بزرگ‌تر از نقش سگان و پرنده، محصور شده است. این حیوان در حالت نیمرخ دارای سر و ریش رشته‌ای، دو گوش رو به بالا، دو شاخ بسیار بلند و دوار به شکل هلالی می‌باشد. بدن آن به صورت دو مثلث که از یک رأس به هم وصل و از رأس دیگر کشیده شده است، و به صورت عمود امتداد پیدا کرده و پای حیوان را تشکیل داده است. دم آن دراز و همانند خوشه‌ای از گیاه، به صورت مورب در پشت حیوان قرار گرفته است. این نقش در دو طرف ظرف تکرار و هر نقش در داخل کادری با خطوط سه گانه قرار گرفته و از سایر نقوش به طور خاص جدا شده است. بین هر کادر خطوط متقاطع به صورت پیوسته به هم اتصال دارد. به طوری که نشان دهنده ارتباط این دو نقش (بز کوهی) با هم هستند. این حیوان نماد ماه از اجرام آسمان و کوه بخشی از زمین و در نتیجه با آب که برای مردمان باستان اهمیت داشته ارتباط دارد.

زیاد این پرندگان و وجود آنها در آن منطقه می‌باشد و تداعی کننده آسمان و هوا و در نتیجه یکی از سه عنصر اصلی طبیعت، باد می‌باشد. در زیر پای مرغان آبی ۳ خط افقی نمایش برکه و محل زندگی آنها است و سپس خط پهنی در محل گردن ظرف به صورت کادری، این مرغان آبی را محصور می‌کند. در مرحله بعدی نقش سگان به حالت آرمیده در زیر پای مرغان، مشاهده می‌کنیم. تعداد این سگان ۳ عدد و به حالت خوابیده و بدون حرکت نمایش داده شده‌اند، بدن به صورت منحنی کشیده‌ای است، پاها به تعداد ۴ عدد جفت جفت در زیر بدن با فاصله از هم به شکل خط مورب نقش شده‌اند، سر حیوان رو به جلو و موازی با پاها و به صورت مثلثی، دم حیوان رو به بالا و به شکل غلاب نقش شده است، در قسمت پایین حیوان و بالای سرش خط افقی نازک‌تر از کادر اصلی او را در بر می‌گیرد؛ می‌توان گفت حیوان در این جا نماد نگهبان و حرکت موجی شکل او نماد آب است و محل قرار گیری این نقش در زیر پای مرغان نشان از برکهای آرام دارد که نگهبانان آن سگان هستند

جدول ۳- بررسی ارتباط بصری نقوش هندسی جام شوش.

تعداد نقوش	قالب اصلی	نماد	نوع نقش	جزئیات نقش طرح نقش
۱. کادر اصلی: ۲ عدد مستطیل بدون یک وجه ۲. ۱۲ عدد خطوط مابین کادر بزها ۳. خطوط صاف و مستقیم به دور جام شامل: ۳- تا زیر پای پرنده ۳- تا بالای خط پهن ته ظرف موازی با کادر بز کوهی ۲- تا بالا و پایین سگ ۴. خطوط پهن - لبه بالای ظرف - زیر پای پرنده - زیر پای سگ - ته ظرف به اندازه تمام خطوط پهن ۴ برابر	تشکیل شده از ۳ خط با زاویه ۹۰ درجه که با هم پیوسته هستند و کادرهایی که سه ضلع دارند و ضلع چهارم خطی به دور جام و مشترک با دیگر کادرهاست.	- طبقات جهان - تفکیک مکان - پرسپکتیو - نشانه زمین زراعتی و قسمت بندی شده	کادربندی	
۲ قسمت مساوی بالا و پایین دایره دارای خطوط شطرنجی شده - یک قسمت مرکزی با ۷ عدد شکل دال، که خطی در وسط، آنها را به شکل خوشه‌ای به هم متصل می‌کند.	دایره با سه بخش	نماد ماه و منازل آن، مربوط به آب	دایره وسط جام	

جدول ۴- نمادشناسی نقش اصلی.

نماد	دایره وسط شاخ	نماد	ریش و دم	نماد	شاخ	نماد	بدن	اجزای اصلی نقش طرح نقش اصلی
بدر کامل ماه و منازل ماه	بر سه قسمت	آسمان در اینجا باد	خطی	ماه در اینجا آب	دو هلال	کوه در اینجا زمین	مثلثی شکل	

جدول ۵- بررسی نقوش جام‌های شوش.

منبع	نقوش هندسی	نقوش جانوری	اندازه ارتفاع	جزئیات تصاویر
(معصومی، ۱۳۴۹، ۱۲۶)	دایره با چهارگوشی در داخل آن و خطوط جداکننده بین پرندگان در گردن ظرف و بین دو کتیبه با نقش بز کوهی و در زیر پای بز کوهی	بز کوهی در مرکز ظرف و پرندگان گردن بلند در لبه بالای ظرف به تعداد زیاد	۲۴ سانتیمتر	
(پوپ، ۱۳۸۷، ۱۰۱)	مثلث‌های قرینه در بین دو کتیبه (با نقش شاخ) هر کدام ۴ عدد و خطوط جداکننده پرندگان در گردن ظرف و بین کتیبه شاخ در مرکز	۲ کتیبه با نقش ۴ دایره در مرکز ظرف نماد شاخ بز کوهی و پرندگان فقط با سر و گردن در بالای ظرف	۱۵ سانتیمتر	
(پوپ، ۱۳۸۰، ۲۰)	نقوشه نیزه ماندی در دو طرف بالا و پایینی دایره‌های شاخ نما، و دایره‌ای در وسط شاخ‌ها با چهارگوشی در خود و خطوط جداکننده بین پرندگان در گردن ظرف و کتیبه شاخ‌ها، بین هر دو کتیبه در مرکز ظرف	نقش پرنده به تعداد زیاد در لبه ظرف و نقش ۲ کتیبه با ۲ دایره در مرکز ظرف نماد شاخ بز کوهی	۲۴ سانتیمتر	
(پوپ، ۱۳۸۷، ۲۰)	نقوش هندسی در دو جهت مخالف هم با فاصله در سه ردیف، گویای پرندگان در حال پروازی می‌باشند.	یک ردیف پرنده به صورت افقی در لبه ظرف	۱۹ سانتیمتر	
(پوپ، ۱۳۸۷، ۱۰۱)	نقوش هندسی شامل خطوطی با حرکت موجی در سه ردیف در کمر ظرف و دو خط جداکننده، در لبه ظرف ردیفی از نقوش پشت سر هم شبیه به دو بال پرنده قرار گرفته، و خطوط باریک و پهنی در ته ظرف	-	۱۴،۵ سانتیمتر	
(مالوان، ۱۳۷۲، ۲۶)	ردیفی از مثلثها ۴ تایی در بین نقوش پرنده‌ها در لبه ظرف و در زیر پای پرندگان ردیفی از لوزی‌های پشت سر هم، و در چهار کتیبه مرکزی که با خطوط زیگزاگی در چهار ردیف عمودی و چسبیده به هم در داخل هر کادر و مابین این خطوط مثلث‌های روی هم با رأس‌های رو به بالا قرار گرفته است، مابین نقوش را خطوطی پهن و ساده جدا کرده است.	-ردیف پرندگان ایستاده و پشت سر هم در لبه بالای ظرف به صورت ناپیوسته (یک ردیف پرنده، یک ردیف مثلث نماد کوه)	۲۰،۵ سانتیمتر	
(پوپ، ۱۳۸۷، ۱۰۱)	مثلث‌های به هم چسبیده به ارتفاع ظرف به صورت زیگزاگ و که داخل مثلث‌ها در رأس ظرف چهار لوزی بهم پیوسته بر روی خطی قرار گرفته‌اند و بین مثلث‌ها خطوط عمودی شبیه به نی‌های بر روی خطوط مواج قرار گرفته است.	-	۲۹،۵ سانتیمتر	

نتیجه

با توجه به بررسی‌های نمادشناسانه و جدول مقایسه‌ای نقوش بر روی جام می‌توان به نتایج زیر اشاره نمود:

• همانطور که می‌دانیم مثلث نمایانگر عدد ۳ و عناصر سه‌گانه است و پایه و اساس همه شکل‌های هندسی مثلث می‌باشد. همچنین پایه رنگ‌ها و تعداد اشکال اصلی در هندسه، سه‌تایی و ... به طوری که در پایه اصلی آنها نقش عدد سه به مراتب بر عدد چهار ارجحیت داشته است. در این جام ما با نشانه‌هایی از آب و خاک و باد از عناصر سه‌گانه طبیعت در ارتباط هستیم. نشانه‌های از خورشید و یا به بیانی دیگر از آتش در بین نقوش دیده نمی‌شود. شاید بتوان نظر بر این داد که این جام مربوط به آن زمان که ماه از خدایان مقدس به شمار می‌رفته است و برای زندگانی مردمان باستان اهمیت به سزایی داشته و هنوز خدای خورشید بر زمین فرمانبرداری نمی‌کرده؛ است. این نقوش در حال نشان دادن طبیعت و دیدگاهی که مردمان از محیط زندگی و دانشی که از آن به دست آورده بودند، می‌باشد. همچنین می‌توان گفت هندسه و منطقی که این نقوش با آن نقش شده است اصولی سه‌تایی و بر پایه عدد سه استوار است: نقوش جانوری سه‌گانه، خطوط مرزی و تقسیم‌کننده فضایی سه‌گانه، همه اینها می‌تواند نشانه باروری و بقای نسل باشد.

• عنصر سوم به عنوان بخشی از جان، همانند هوا و باد در بین نقوش در گردش است، این فضای خالی با اصول ریاضی گونه‌ای تقسیم

شده و منطقی است، که با وجود این همه نقش، احساس فشردگی و خفگی نمی‌کنیم. شاید آیینی بودن ظرف و کاربرد آن باعث شده که هنرمند، به بهترین صورت ممکن و با تناسباتی اصولی برای زندگی ابدیش، نقش‌پردازی کند، و بینندگان را بر آن دارد که همواره در دوران‌های بعدی، این جام دوار را به عنوان نمونه‌ای ناب بستانند.

• بز کوهی، نقش اصلی جام، نماینده نقوش حاشیه ظرف، در قسمت مرکزی، و درون کادری مجزا می‌باشد. این نقش نماد سه عنصر اصلی آب، هوا و خاک می‌باشد.

• بین نقش بز کوهی در حالت عمودی و ایستاده، و سگان در بالای سر آنها در حالت خوابیده و افقی، ارتباط تنگاتنگ خاصی شامل موارد زیر برقرار می‌باشد:

- از لحاظ بصری جام در زاویه دید از روبه رو حالتی سه‌گانه دارد؛
- اجزای بدن هر دو نقش ضربی از ۳ را (۹ قسمتی) تشکیل می‌دهد،
- و از لحاظ زیستی ارتباطی بین بز به عنوان حیوان گله و سگ به عنوان نگهبان برقرار می‌باشد.

• در نهایت با بررسی جام‌های این دوره‌ی ششوش در مقایسه با نمونه اصلی متوجه این موضوع می‌شویم که این جام نمونه‌ای کامل و گویا برای دانش و تفکر مردمان زمان خود به شمار می‌رود؛ و می‌توان از آن در زمینه دانش‌های مختلف از جمله: ریاضی، جامعه‌شناسی، تاریخ، دین و هنر استفاده کرد.

فهرست منابع

- سیما (سروش)، تهران.
جایز، گرترو (۱۳۷۰)، سمبل‌ها، کتاب اول: جانوران، ترجمه محمد رضا بقا پور، ناشر مترجم، تهران.
حضور، علی (۱۳۸۹)، مبانی طراحی سنتی، دفتر نخست، نشر چشمه، تهران.
دورانت، ویل (۱۳۷۰)، تاریخ تمدن جلد اول، ترجمه احمد آرام مقدم، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
دوبوکور، مونیک (۱۳۷۳)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز، تهران.
رفیعی، لیلا (۱۳۷۸)، سفال ایران (از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر)، یساولی، تهران.
صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷)، ماه در ایران، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱)، فرهنگنامه جانوران در ادب پارسی، نشر پژوهنده، تهران.
عبداللهی، مهناز (۱۳۶۲ و ۱۳۶۱)، مفاهیم نمادهای مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ، مجله فصل نامه هنر، شماره ۲، صص ۴۶-۶۳.
کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۷۹)، سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، انتشارات ققنوس، تهران.
کوپر، جی. سی، (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، نشر فرهنگ نشر نو، تهران.
معصومی، غلامرضا (۱۳۴۹)، نقش بز کوهی بر روی سفالینه‌های پیش از تاریخ (قسمت دوم)، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۴ سال ۵، صص ۲۵۸-۲۹۳.
هال، جیمز (۱۳۸۷)، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.

- اقتداری، احمد (۱۳۵۴)، دیار شهریاران جلد نخستین آثار و بناهای تاریخی خوزستان، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
آموزگار، ژاله (۱۳۸۶)، تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، تهران.
آمیه، پیر (۱۳۴۹)، تاریخ یلام، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۵)، مبانی نظری هنرهای تجسمی، انتشارات سمت، تهران.
ایدت، پردا (۱۳۸۶)، هنر ایران باستان (جلد ۱)، ترجمه یوسف مجید زاده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
بختور ناش، نصرت‌الله (۱۳۸۰)، چلیپا نشان راز آمیز (گردونه خورشید یا گردونه مهر)، موسسه انتشاراتی فروهر، تهران.
برزین، پروین (۱۳۵۶)، مفاهیم نقوش بر سفال پیش از تاریخ، مجله هنر و مردم، شماره ۱۸۵ و ۱۸۴، صص ۱۰۳-۱۰۵.
مالوان، م.ا.ل (۱۳۷۲)، بین‌النهرین و ایران باستان، ترجمه رضا مستوفی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
پوپ، آرتور آپم (۱۳۸۰)، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز ناتل خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
پوپ، آرتور آپم، و اکرم، فلیس (۱۳۸۷)، سیرری در هنر ایران (جلد اول وهفتم)، ترجمه سیروس پروهام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
تذهیبی، مسعود وشهبازی، فریده (۱۳۸۵)، نقشمایه‌های ایرانی، انتشارات صدا و سیما (سروش)، تهران.
توحیدی، فائق (۱۳۸۹)، فن و هنر سفالگری، انتشارات سمت، تهران.
چالپاده، میر (۱۳۸۵)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، انتشارات صدا و